

بسم الله الرحمن الرحيم

آیا چین قدرت جدید در خاور میانه خواهد بود؟

(ترجمه)

سفر سه روزه "شی جین پینگ"، نخست وزیر چین به عربستان سعودی - که توجه منطقه و جهان را به خود جلب کرد - در 11 دسامبر به پایان رسید. شی جین پینگ این سفر خویش را "دوران جدیدی" در روابط عربستان و چین خواند. سفر شی جین پینگ در رسانه‌های جهانی بازتاب یافته و بسیاری بر این باور اند که چین قدرت جدید در خاور میانه است. این سفر در چارچوب تنش با آمریکا بر سر تایوان و همچنان تنش‌های قابل ملاحظه‌ای بین (MBS) محمد بن سلمان، شاه عربستان سعودی و جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا انجام شده است. بسیاری از رسانه‌های بین‌المللی سفر "شی جین پینگ" را نشانه و نمایش قدرت آمریکا و عربستان سعودی در حال انتقال از آمریکا به چین می‌دانستند. عربستان سعودی و چین با یک سلسله از قراردادها روابط عمیق‌تری را به نمایش گذاشتند. هر دو طرف "توافقنامه مشارکت راهبردی جامع" را امضا کردند که شامل توافقات در مورد انرژی هایدروجن و افزایش هماهنگی بین چشم انداز پادشاهی 2030 و طرح کمر بند و جاده چین بود. همچنان قراردادی در خصوص فناوری‌های شرکت "هووایی" راجع به محاسبه ابری، مراکز معلوماتی و ساخت مجتمع‌های با فناوری پیشرفته صورت گرفت. بیانیه مشترک حدود 4000 کلمه‌ای که توسط خبرگزاری رسمی عربستان سعودی (SPA) منتشر شد، توافقی را در مورد مجموعه‌ای از موضوعات گسترده از جمله انرژی، امنیت، برنامه هسته‌ای ایران، بحران یمن و جنگ روسیه با اوکراین بیان می‌کند.

در دوران پس از جنگ جهانی دوم این آمریکا بود که نظم جهانی را ساخت و اتحاد جماهیر شوروی برای تسلط بر جهان با آن رقابت کرد. چین تا حد زیادی از بسیاری از نقاط جهان از جمله خاورمیانه جدا شده بود. تنها با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و با تلاش برای به رسمیت شناختن بیشتر بین‌المللی به قیمت رقیب در تایوان بود که چین روابط خود را با برخی از کشورهای خاورمیانه آغاز کرد. در سال 1993 چین دیگر نتوانست نیازهای انرژی داخلی خود را از تولیدات داخلی تأمین نماید و برای واردات انرژی خود به خاورمیانه روی آورد. در سال 1995 خاورمیانه به منبع شماره یک نفت برای چین تبدیل شد. رشد سریع چین و همچنان جمعیت زیاد به این معنی است که این کشور به خطوط عرضه برای مواد خام، کالاهای مهمتر از آن نفت نیاز دارد، و اینجاست که خاورمیانه به تصویر کشیده می‌شود. در سال 2021 چین 15,3 میلیون بشکه نفت مصرف کرد که کمتر از 5 میلیون بشکه آن از منابع داخلی است که باعث شد چین در سال 2017 به عنوان بزرگترین وارد کننده نفت جهان تبدیل شده و از آمریکا پیشی بگیرد. حدود 45 کشور است که تقاضای چین برای نفت را برآورده می‌نمایند. نزدیک به نیمی از این نفت از 9 کشور خاورمیانه تأمین می‌گردد که عربستان سعودی سهم شیر را از میان این اسهام به عهده دارد. مهم‌ترین دلیل حضور چین در خاورمیانه انرژی می‌باشد. خاور میانه بزرگترین منبع واردات نفت چین باقی خواهد ماند و این اهمیت استراتژیک خاور میانه و عربستان سعودی است که "بزرگترین تأمین کننده نفت چین" می‌باشد.

تنش‌های اخیر میان آمریکا و عربستان توسط بسیاری به عنوان شکستگی در روابط میان این شرکای درازمدت تعبیر شده است. اجتناب اخیر عربستان از افزایش تولید نفت به منزله ترسیم مسیر مستقل عربستان تلقی گردیده است. اما تنش در واقع تنش‌ها میان حزب دیموکراتیک و MBS است، نه عربستان سعودی. جو بایدن در مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری خویش به صراحت اعلام کرد که می‌خواهد از رابطه شخصی که ترامپ با MBS داشت دور شود و می‌خواهد MBS را به خاطر قتل جمال خاشقجی منزوی نماید. زمانی که بایدن به قدرت رسید با MBS برخورد سرد نموده و سعی می‌کرد تا وی را منزوی نماید.

MBS جواب آن را با حمایت از چشم‌انداز انتخاباتی حزب جمهوری خواه داد که بهترین امید بقای خود را در آن می‌دید. بروس ریڈل یکی از اعضای ارشد مؤسسه بروکینگز به انترسپت گفت: «سعودی‌ها در تلاش این هستند تا دوباره ترامپ را انتخاب نمایند و جمهوری خواهان MAGA در انتخابات میان دوره‌ای پیروز گردند، قیمت‌های بلند نفت دیموکرات‌ها را تضعیف خواهد کرد.»⁽¹⁾ "جوناس شپ" از مجله نیویارک تأکید نمود که "البته دلیل واقعی سکوت جمهوری خواهان در مورد خیانت سعودی‌ها اینست که آن‌ها می‌خواهند از لحاظ سیاسی در یک مقیاس وسیع سود ببرند. افزایش جزئی قیمت گاز خود یک امر لزومی در تغییر بازی برای انتخابات میان دوره‌ای نیست؛ اما با وجود رقابت‌های بسیار فشرده در میدان‌های اصلی نبرد این خبر بدی برای حزب حاکم است."⁽²⁾

بزرگترین چالش برای چین حضور آمریکا در خاورمیانه است. پس از جنگ جهانی دوم آمریکا وارد یک مبارزه شدید با بریتانیا برای حذف آن از خاورمیانه گردید. از کودتای نظامی و تهدید توسعه کمونستی برای دست یافتن به جای پا در منطقه استفاده نمود. این کشور برای ایجاد پایگاه نظامی در منطقه به عربستان سعودی و اسرائیل تضمین‌های امنیتی را پیشکش نمود. در دهه 1970 روابط خود را با ایران و مصر از طریق فروش وسایل نظامی و کمک‌های اقتصادی تعمیق بخشید. آمریکا به یک عده از کشورها در منطقه ضمانت‌های امنیتی ارائه نموده تا در عوض وفاداری این رژیم‌های خودکامه پا به جای پای آن‌ها بگذارد. حضور آمریکا شامل طرح‌های سیاسی برای مسایل منطقه‌ای مانند راحل دوکشوری بوده که تا کنون در حفظ حضور نظامی از قاره آمریکا و اجرای عملیات نظامی پیچیده و حفظ پایگاه نظامی در خارج از کشور تجربه دارد.

چالش‌ها با چالش‌های زیادی در خاورمیانه مواجه بودند. چین علاقه‌ای به داوری اختلافات محلی از طریق استفاده از زور ندارد. در واقع دخالت نظامی چین در منطقه تاکنون بسیار کم بوده است. ایجاد پایگاه دریایی در "جیبوتی" بارزترین نشانه حضور منطقه‌ای پکن است. همچنان چین دارای نیروهای حافظ صلح سازمان ملل در لبنان و برخی مشوره‌دهندگان نظامی در سوریه می‌باشد. اما در حال حاضر چین از ادامه تجارت زیر چتر امنیت منطقه‌ای آمریکا خوشحال به نظر می‌رسد. پکن به طور سنتی رشد تجارت و سرمایه‌گذاری را ترجیح می‌دهد.

بر این اساس، گرچند مشارکت اقتصادی چین در خاورمیانه در دهه گذشته افزایش یافته، اما دخالت نظامی و امنیتی آن همچنان حاشیه‌ای است. منافع رو به رشد چین و مشارکت فزاینده در خاورمیانه دست‌آوردهای آن را تا کنون برجسته می‌نماید. اما چین در حال حاضر فاقد توانایی‌های لازم برای اجرای این موارد است. این امر بر میزان تمایل پکن برای اختصاص دادن به منطقه تأثیر می‌گذارد. نتیجه اینست که حمله چین به خاورمیانه فاقد هرگونه ابعاد سیاسی یا نظامی است و محدود به ملاحظات اقتصادی و انرژی می‌باشد.

نویسنده: عدنان خان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب‌التحریر

22 جمادی الاول 1444 ه.ق.

16 دسامبر 2022 م.

